قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌ومعارف‌رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۲۰۷ |

فراق «عمو راستگو» یک ساله شد
قصه‌گوی انقلاب در «مسجد رهبر» ۲

گزارشی از واکنش به نتایج پیمایش میزان انس مردم با قرآن
سرانه مطالعه قرآن چقدر است؟ ۳

مجوز «صنایع خلاق» برای شرکت کسب و کار رضوی ۴

موعظه / آیت الله جاودان
فقط گوش نکن، اختیار مجلس را به دست بگیر ۲

آغاز مرحله دوم طرح «تعالی خانواده رضوی» ۴

عضو مجلس خبرگان رهبری در نشست «مدل نظام‌سازی قرآن پایه» مطرح کرد

جذب جوانان با نظام‌سازی قرآنی

۲

علیرضا صفرزاده - عکس رضوی

به مناسبت سوم آذر
سالروز افتتاح مجموعه
فرهنگی و اجتماعی «باغ خاتون»

اینجا چراغ خلاقیت روشن است

باغ‌اردوگاه خاتون مشهد وابسته به مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی، در سوم آذر سال ۱۳۹۷ مطابق با ۱۷ ماه ربیع‌الاول همزمان با ولادت باسعادت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) و سالاله پاکش حضرت امام جعفر صادق(ع) افتتاح شد. این باغ‌اردوگاه بزرگ، بخشی از باغ ۱۱۴هکتاری امام رضا(ع) واقع در تقاطع چهارراه خیام و بولوار توس است که در اختیار بانوان مشهدی قرار گرفته است. خدمات این اردوگاه به نوآورانه‌ها و خلاقانه‌های بانوان می‌پردازد و به عنوان ...

۴

ناگفته‌هایی درباره مکان قدیمی کتابخانه آستان قدس رضوی

جلسات محرمانه در «قرآن‌خانه»

محمدحسین نیکبخت | تاکنون چند نوبت، در صفحه نخست رواق درباره تاریخ کتابخانه آستان نوشته‌ایم. اما تاریخ کتابخانه آستان، آن قدر طولانی و پربار است که با این چند گزینش از فرازهای آن، نمی‌توان تمام یا حتی بخش کوچکی از آن را بازگو کرد. یکی از نکاتی که معمولاً در بررسی تاریخ کتابخانه مورد توجه قرار می‌گیرد، محل کتابخانه بزرگ آستان در دوره‌های مختلف و کاربری‌های متنوع است؛ موضوعی که موجب می‌شد حتی نام کتابخانه هم بر اساس مکانی که در آن قرار گرفته است، تغییر کند. امروز می‌خواهم درباره مکان اولیه کتابخانه، اتفاق‌ها و رویدادهایی که در آن رقم می‌خورد، کمی با شما صحبت کنم.

■ **همسایه روضه منوره**

محل نخست کتابخانه آستان قدس رضوی، زیر گنبد امیرعلیشیر نوایی بود. این گنبد در ضلع غربی روضه منوره قرار داشت و تا اواخر دوره قاجار برپا بود و سپس در طرح‌های عمرانی حرم مطهر تخریب شد و به فضای دیگر رواق‌ها پیوست. جالب است بدانید که اصل این رواق را برای ایجاد سقاخانه ساخته بودند. به دلیل قرار گرفتن گنبد امیرعلیشیر نوایی در مجاورت ایوان طلای صحن عتیق، به کتابخانه آستان، عنوان «کتابخانه ایوان طلا» داده شده بود و این مسئله در اسناد مشهور و قدیمی مربوط به آستان قدس به چشم می‌خورد. در زمان تولیت محمدمیرزا سیف‌الدوله یعنی در حدود سال ۱۲۵۲ خورشیدی (عهد ناصرالدین شاه قاجار) کتابخانه به دو قسمت تقسیم شد؛ به غیر از قرآن‌های خطی و نفیس، مابقی کتاب‌ها را به محلی در طبقه فوقانی کشیک‌خانه خدام، واقع در قسمت غربی مدرسه علینقی میرزا (پایین پای مبارک) انتقال دادند و نامش را گذاشتند «کتابخانه جدید». اما با وجود این نقل و انتقال، ارزش و جایگاه قبلی کتابخانه در گنبد امیرعلیشیر نوایی کم نشد، بلکه فضای ایجاد شده آن را به اسناد دیوانی و مهم آستان قدس رضوی اختصاص دادند و از این نظر، بایگانی خوب و قابل استفاده‌ای به وجود آمد. ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به مشهد، از هر دو کتابخانه دیدن کرده است و درباره آن‌ها می‌نویسد: «رفتیم به کشیک‌خانه حضرت. از بناهای علینقی میرزای رکن‌الدوله مرحوم است و از آنجا به کتابخانه حضرت رفتیم که حاجی سیف‌الدوله مرحوم در اوقات متولی‌باشی‌گری خود ساخته است. کتابخانه خوبیست. پله زیادی می‌خورد. رفتیم بالا کتابخانه را تماشا کردیم. از این کتابخانه پایین آمده، به کتابخانه اول رفتیم. باز از پله‌های زیادی بالا رفته، در اینجا قرآن بایسنقر دیده شد. قدری تماشا کرده پایین آمدیم».

■ **تبدیل کتابخانه ایوان طلا به قرآن‌خانه**

نگهداری قرآن‌های خطی در کتابخانه گنبد طلا موجب رواج نام دومی برای آن شد: «قرآن‌خانه». این قرآن‌خانه فقط در ایام خاصی از سال باز بود و هر کسی هم نمی‌توانست وارد آن شود و از فضای داخل آن هم برای برگزاری برخی جلسات خاص و محرمانه استفاده می‌کردند. معمولاً چند روز پیش از آغاز ماه مبارک رمضان، رئیس کتابخانه با کسب اجازه از متولی همراه چند نفر به قرآن‌خانه می‌رفت و قرآن‌های نفیس را غبارروبی می‌کرد. مساحت کتابخانه ایوان طلا دقیقاً معلوم نیست؛ یعنی در اسناد تاریخی درباره ابعاد آن اطلاعات دقیقی وارد نشده است اما می‌دانیم که آن را در دو طبقه و چهار اتاق مستقر کرده بودند. در این بخش از اماکن متبرکه، دو اتاق را به ریاست و دفترخانه کتابخانه اختصاص داده بودند. بنای این کتابخانه و دکوراسیون داخل آن در دوره قاجار، چند باری مرمت و تعمیر شد.

■ **کاربری‌های متنوع قرآن‌خانه**

کتابخانه ایوان طلا نیز مانند کتابخانه جدید، امکاناتی برای پذیرایی از میهمانان و برگزاری جلسات داشت. معمولاً افراد معروف و میهمانان آستان قدس، ضمن بازدید از اماکن متبرکه، سری هم به قرآن‌خانه و کتابخانه جدید می‌زدند. این نکته در سفرنامه‌های دوره قاجار مانند سفرنامه حاج‌سیاح و عین‌السلطنه به چشم می‌خورد. برای همین درباره کم و کیف نگهداری کتاب‌ها در این دوره، اطلاعات نسبتاً خوبی در دست است. نکته جالبی که یادآوری‌اش خالی از لطف نیست، برگزاری جلسات محرمانه در فضای کتابخانه ایوان طلاست. ظاهراً این کتابخانه هم مانند کتابخانه جدید، مکانی برای برگزاری نشست‌های مهم و حتی محرمانه داشته است. قرار گرفتن هر دو کتابخانه در طبقه بالای اماکن متبرکه سبب می‌شد که هم دور از دسترس باشند و هم بتوان ورود و خروج به آنجا را راحت کنترل کرد. معمولاً تولیت آستان قدس در دوره قاجار، هفته‌ای سه روز به کتابخانه می‌آمد و در آن جلسات اداری مهمی برگزار می‌شد. این را می‌توان از اسناد مربوط به پذیرایی در این جلسات که در بایگانی آستان قدس رضوی باقی مانده است، فهمید؛ هزینه‌های مربوط به تهیه چای، قلیان، قهوه، برنج، سیگار و گاهی شربت را می‌شود در بین این اسناد پیدا کرد که برای جلسات مربوط به کتابخانه ایوان طلا سفارش داده می‌شد و حتی گاهی از میهمانان هم در این فضا پذیرایی می‌کردند. این مسئله نشان می‌دهد فضای کتابخانه ایوان طلا، از هر نظر مصفا و دلپذیر بوده است؛ آن قدر که بتوان در آن جلسات طولانی چند ساعته برگزار کرد و خسته نشد.

خبر

افتتاح ۳۰ پایگاه خدمات تخصصی مشاوره در کتابخانه‌های عمومی کشور

به گزارش آستان‌نیوز، مراسم افتتاح ۳۰ پایگاه تخصصی مشاوره در کتابخانه‌های عمومی کشور صبح دیروز همزمان با یکصد و چهارمین برنامه سه‌شنبه‌های علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی، با حضور رئیس سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی و مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی در موزه قرآن حرم مطهر رضوی برگزار شد.

با افتتاح این پایگاه‌های تخصصی، از این پس متخصصان مرکز جامع مشاوره آستان قدس رضوی که در کانون‌های خادمیاری استان‌های مختلف فعال هستند، با حضور در کتابخانه‌های عمومی منتخب، خدمات رایگان مشاوره به مراجعه‌کنندگان ارائه خواهند کرد. اجرای این طرح گامی مهم در راستای تقویت جایگاه کتابخانه‌های عمومی کشور به عنوان یک پایگاه اجتماعی مورد اعتماد خواهد بود. دکتر عبدالحمید طالبی، رئیس سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی در این مراسم در سخنانی با اشاره به نقش و جایگاه کتابخانه‌ها در توسعه فرهنگ اجتماعی، این مکان را مناسب‌ترین فضا برای تعاملات اجتماعی برشمرد.

وی با اشاره به منابع غنی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، تورق این منابع و نسخ ارزشمند را آرزوی هر پژوهشگر فرهیخته عنوان کرد و تسهیل دسترسی به این منابع را از وظایف کتابخانه‌ها دانست.طالبی همچنین تأمین نیاز مخاطبان در تمامی زمینه‌های مطالعاتی را از جمله وظیفه کتابخانه‌ها برشمرد و حضور گسترده افراد جامعه در مکان‌های فرهنگی همچون کتابخانه را زمینه‌ساز پیشرفت و تعالی آن جامعه عنوان کرد.

دو دقیقه حرف حساب

مراقب کودک عزیز روانت باش

محمد شجاعی | یک کودک درون من هست، از طرف خدا... امانت خداست... خودِ من هم هستم در واقع... یعنی خودِ ما، مهم‌ترین امانت خدا در دست خودمون هستیم... کودک عزیز روان که از جنس خودِ ماست، مهم‌ترین امانت خداست در دست ما... تمام مراتب نفس، امانت خدا هستن... امانت یعنی تو به صورت انسان آمدی و به بدن تعلق گرفتی و باید هم به صورت انسان برگردی. این انسان رو سالم بفرست به برزخ. خودتو سالم به دست پدر و مادر آسمانیت برسون. امانت‌داری یعنی این. امانت‌داری یعنی مهندسی عشق. مثه اینه که درِ خونه رو باز کردی دیدی یه نوزاد گذاشتن جلو در خونه. حالا بگی این بچه من نیس، توی خونه من نیس... میشه اینو بگی؟ خب باید برداری ببری توی خونه مراقبش باشی. این بچه دست شما امانت هست یا نیست؟ بر فرض پدر و مادرش نخواستنش انداختنش بیرون، این امانت خدا هست یا نیست؟ اگه برداشتی و بردی داخل خونه مگه وظیفه نداری بهش برسی؟ نمی‌تونی بگی این بچه من نیس؛ تر و خشکش نمی‌کنم، غذا بهش نمیدم... نمی‌کنی این کارو. اگه بچه خودت باشه که دیگه هیچ... کودک عزیز روان، همون بچه‌اس که گفتیم. امانت خدا، کودک خودِ ما، اصلاً خود ما هستیم، حقیقتِ خودِ ماست... باید به این کودک برسیم. وظیفه ماست. نماز اول وقت بهش بدیم... مثه اینکه نوزاد الان گرسنه‌اس، چیزی بهش ندیم... پیامبر داشت نماز می‌خوند یک باره دیدن سرعت نماز رو زیاد کرد، نماز رو زود تموم کرد. گفتن یا رسول‌الله چرا نماز رو سریع خوندین؟ پیامبر گفتن صدای گریه بچه میاد، مادرش کیه؟ زود نمازو تموم کردم به نوزادش برسه. چون بچه امانته دست ما... اول وقت نمازه، کودک عزیز روان نیاز به خدا داره، چه بسا داره جیغ میزنه اما بهش بگیم ساکت! من کار دارم... کودک عزیز روان گریه کنه بگه من الان علم می‌خوام، سواد می‌خوام، مطالعه می‌خوام، ما هی بزنیم توی سرش بگیم بشین سر جات... این یعنی جنایت... باور نکردیم این امانت خداست، روح خداست. حق نداری این امانت رو همه جا ببری، همه چی بدی بخوره، همه چی ببینه... میگه چشم خودمه دوس دارم همه چی رو نگاه کنم! تو اجازه نداری ذهن، خیال و فکر خودتو آلوده کنی... تمام مراتب نفس شما امانت خداست، نباید آلوده‌اش کنی.

نیمکت زندگی

... و خداوند عشق را آفرید

رقیه توسلی | از گلدوزی‌های محشرش هر چه بگویم کم است. از تلاش و همتش، از سلیقه‌اش، خونگرم رفتار می‌کند و سال‌هاست که ندیدم مشتری‌هایش را جز «خانوم والا» خطاب کند.توی بازار، خرازی دارد. از آن‌ها که همه آدرسش را می‌دهند به نفر بعدی. چون کارش دومی ندارد.

در این مدت آن قدر پرانرژی و خوش‌برخورد دیدمش که تصور نمی‌کردم متارکه کرده باشد. که جز پسر شانزده ساله‌اش کسی را نداشته باشد در شمال. که جنوبی باشد و تمام اقوامش در سیرجان زندگی کنند. که اصلاً یک روز کز کند گوشه مغازه‌اش و درددل کند پیش آخرین مشتری که از قضا من باشم.

بعد توی موبایلش بگردد و عکس پسر نوجوانش را نشانم بدهد و بگوید: می‌خواهم اجازه بدهم برود چند وقتی با پدرش زندگی کند. سخت‌ترین تصمیم دنیا را بگیرم... عزیز دردانه‌ام را جدا کنم از خودم... آن وقت تریِ چشم‌هایش را با پشت دست بگیرد و به من هفت پشت غریبه توضیح بدهد چقدر این قدیمی‌ها حق‌اند. چقد «ننایی»اش حق گفته که؛ بچه‌های ما بچه‌های ما نیستند، پسران و دختران زندگی‌اند!ماتم برده و نمی‌دانم چطور سر از تَه بازار درآوردم... سر از زندگی مادری که دمدمای رفتن دلبندش، مچاله شده... فقط می‌دانم که امان از فاصله‌ها... که کرمان و سوئد و مازندران و گیلان و تهران و آلمان و شیراز و فرانسه پُر از چشم انتظار است... پُر از آدم‌هایی که دلشان تاب‌تاب می‌کند از دوری هم... که دنیا هزار بازی با آدمیزاد طفلک دارد... با من، شما، «خانوم والا»... با بخت و اقبالمان.

سنجاق

بی‌دل و دماغ، سرپایینی بازار را گز می‌کنم که کسی صدایم می‌زند. آقای باربر است. می‌پرسد: دنبالت بیایم خریدت را بکشم. ها خانوم؟ یک خیری به ما بکن. پسر دخترم چشم به راهند تو خونه... مطمئنم هفتاد را رد کرده است.مطمئن می‌شوم آدم که مادر پدر بشود فقط نگهبان و مراقب عشق است. فقط سمت جگر گوشه‌اش می‌ایستد.

پی‌نوشت

امام صادق(ع) می‌فرمایند: چشمانت را جز از روی دلسوزی و مهربانی به پدر و مادر خیره مکن.

قاب رسانه

رابطه معقول خودکنترلی مردان با پوشش و رفتار بانوان

برنامه «چراغ» شبکه ۵ در هفته جاری میزبان «مرضیه غلامی» کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، مدرس و مشاور دانشگاه بود. آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از دیدگاه‌های این کارشناس در این برنامه است که «مهر» منتشر کرده است.

آنچه امروزه در ظاهر امر در رأس مشکلات عموم مردم به چشم می‌خورد، مشکلات اقتصادی است. اما واقعیت این است در پس همه این مشکلات، علت اصلی مراجعان به مراکز مشاوره که در پی دادخواست طلاق هستند و مشکلاتی که منجر شده فردی به بن‌بست برسد، مشکلات اقتصادی نیست بلکه بیشتر پیمان شکنی و عدم وفاداری مرد یا زن به همسرش و خیانت به او است. پس ضرورت رعایت موازین اخلاقی بسیار مهم‌تر از مسائل اقتصادی است. بر اساس آمار می‌توان گفت درصد بالایی از مشکلاتی که منجر به طلاق می‌شود، خیانت و پیمان‌شکنی زوجین نسبت به یکدیگر است.

اگر بخواهیم مانع بروز مشکلی شویم قاعدتاً باید اموری را زمینه‌ساز و یا علت تشدیدکننده آن مسئله بوده، بررسی و رفع نمود و یا حداقل کاهش داد. نمی‌توان انتظار داشت هر یک از افراد جامعه به همان سبک و سیاقی که دلشان می‌خواهد پیش بروند و رفتار کنند و هیچ مزاحمت و یا مشکلی نیز برایشان ایجاد نشود. اگر زنان با هر پوششی که دلشان می‌خواهد در جامعه حضور یابند، پوششی که مغایر با هنجار جامعه، نامناسب، نیمه عریان و یا بدن نما باشد، سپس انتظار داشته باشند مردان جامعه نسبت به پوشش آن‌ها رفتار و واکنش ناهنجاری نداشته باشند، با اینکه برخی از زنان انتظار داشته باشند مردان جامعه به‌گونه‌ای تربیت شده باشند که وقتی آن‌ها بر اساس خواست خود رفتار می‌کنند و پوشش نادرستی دارند، دربرابر این نوع پوشش و رفتارشان برخوردها معقول باشد و مزاحمتی هم برای آن‌ها ایجاد نشود، این انتظار غیرمنطقی است؛ چرا که هر یک از افراد جامعه با روحیات و خلقیات متفاوت و در فرهنگی متفاوت رشد و تربیت می‌یابند و کنترل همه افراد امکان‌پذیر نیست.

هر چند وظیفه مردان در مواجهه با چنین موقعیت‌هایی خودکنترلی است اما این هم غیرمنطقی است که خانم‌ها آزاد باشند و مردان هم وقتی در معرض این رفتارها قرار می‌گیرند خودکنترلی داشته باشند. بسیاری از افراد هستند که دارای اختلالات روحی هستند و تا زمانی که خودشان برای درمان مراجعه نکنند قابل تشخیص و ارزیابی نیستند، بنابراین غیرقابل شناسایی و کنترل هستند. از این رو از سویی باید ظاهر افراد در جامعه مطلوب و معقول باشد و از سویی دیگر بر اساس ارزش‌های درونی و توانمندی‌هایشان شناخته شوند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: موردی داشتم که آقای پزشکی مراجعه کرده بودند که به‌خاطر شرایط مالی عالی و وجهه اجتماعی‌اش، تمام امکانات را برای همسرشان که خانه‌دار بودند، فراهم کرده بودند. حتی برای فرزندشان هم پرستار گرفته بودند و خانم هم یک سبک زندگی مرفهی داشتند ولی به دلیل عدم توجه به استعدادهای درونی و پرداختن بیش از حد به ظاهر و عدم رعایت حریم‌ها، به همسرشان خیانت کرده بودند. بنابراین بی‌بندوباری و عدم رعایت حریم‌های اخلاقی در روابط اجتماعی بسیار بیشتر از مسائل اقتصادی آسیب‌زننده و بنیان خانواده‌ها را متزلزل می‌کند و از بین می‌برد.

موعظه

آیت الله جاودان

فقط گوش نکن، اختیار مجلس را به دست بگیر

آیت‌الله رحم فقط همین دید و بازدید است؟ نه آقا، من به عنوان صله رحم به منزل یکی از خویشانمان می‌روم و آنجا ۱۰ تا گناه شریک می‌شوم. بعضی‌ها می‌نشینند و هرچه به زبانشان آمد می‌گویند. من هم نشسته‌ام دارم گوش می‌دهم. همین امروز یکی از دوستان گفت مثلاً پیش فلانی بودم. این دهان باز کرد و هرچه صله رحم کند که حالا مستحب یا بفرمایید واجب است. اما دارم ۱۰ تا گناه می‌کنم، این صله رحم را نیاید...

بعضی‌هایشان هم نامحرم هستند. خب نمی‌شود. من آمدم صله رحم کنم که حالا مستحب یا بفرمایید واجب است، آنجا هایی که احساس خطر می‌کند ها. آنجایی که مشکل ندارد که دارد یک ثواب بزرگ می‌کند. ببینید یک بزرگانی در فامیل هستند. آدم‌های مسن هستند. این در طول سال چشمش به در بوده که یک ثواب بزرگ می‌کند. ببینید یک بزرگانی در فامیل هستند. یعنی پدر و مادر دارند جایی برای دیدن یکی از خویشان می‌روند که صله رحم انجام شده بود، صله رحم انجام شده بود، صله رحم به منزل یکی از خویشانمان می‌روم و آنجا ۱۰ تا گناه شریک می‌شوم. بعضی‌ها می‌نشینند و هرچه به زبانشان آمد می‌گویند. من هم نشسته‌ام دارم گوش می‌دهم. همین امروز یکی از دوستان گفت مثلاً پیش فلانی بودم. این دهان باز کرد و هرچه سکوت نکن [و فقط] گوش نده. اگر من یک چنین جایی گیر کنم چکار کنم؟ این یک حرف است. یک مشکل است. فرض دیگر این است که شما جوان هستید و آنجا ۱ تا جوان دیگر هم هست. یک سر برای من آوردند. این بهره آن صله رحم‌هایی بود که من دل آن‌ها خوش شده و ایشان بین بود به یک مجلس که می‌رفتند، اختیار مجلس را در دست می‌گرفتند.

اختیار مجلس دست ایشان بود. هم آن‌ها یک چیزی یاد می‌گرفتند هم سرشان گرم شده بود هم ایشان کارش را کرده بود. مثلاً شما که نوه‌اش هستی، یا بیشتر و کمتر؛ به دیدنش بروی. دلش یک چیزی یا رفتن شماها خوش می‌شود. این خیلی است. آدم خیلی از این بهره‌مند می‌شود. به نظرم همین بعد از عید بود یا عید که خدمت حاج آقای حق‌شناس رفته بودیم ایشان فرمودند: من در خواب دیدم مثلاً امیرالمؤمنین اشاره فرمودند و مثلاً می‌خواهند شما را هم به زور ببرند. باید خود آدم فکر کند و یک راه حلی پیدا کند. مثلاً به پدر و مادر التماس کند، آنجایی که احساس خطر می‌کند ها. آنجایی که مشکل ندارد که دارد نسبت به پوشش آن‌ها رفتار و واکنش ناهنجاری نداشته باشند، با اینکه برخی از زنان انتظار داشته باشند مردان جامعه به‌گونه‌ای تربیت شده باشند که وقتی آن‌ها بر اساس خواست خود رفتار می‌کنند و پوشش نادرستی دارند، دربرابر این نوع پوشش و رفتارشان برخوردها معقول باشد و مزاحمتی هم برای آن‌ها ایجاد نشود، این انتظار غیرمنطقی است؛ چرا که هر یک از افراد جامعه با روحیات و خلقیات متفاوت و در فرهنگی متفاوت رشد و تربیت می‌یابند و کنترل همه افراد امکان‌پذیر نیست.

پاسیاد

فراق «عمو راستگو» یک ساله شد

قصه‌گوی انقلاب در «مسجد رهبر»

حجت‌الاسلام محمدحسن راستگو که میان کودکان و نوجوانان به «عمو راستگو» شهره بود، یک سال پیش از میان ما برکشید. او ۳۵ سال در برنامه‌های مختلف تلویزیونی با سبک خاص خود به کودکان و نوجوانان معارف دینی را آموزش داد. به گزارش فارس، دقیقاً یک سال می‌شود که دیگر کودکان و نوجوانان به‌خصوص دهه شصتی‌ها «عمو راستگو»ی خود را از دست داده‌اند. حجت‌الاسلام محمدحسن راستگو، کارشناس حوزه تعلیم و تربیت که به عنوان عمو راستگو بچه‌ها شناخته می‌شد، سال پیش و در بحبوحه شرایط کرونایی کشور دارفانی را وداع گفت.

■ **آمده بود تا یک کار متفاوت کند**

مصطفی رحماندوست، شاعر، نویسنده و مترجم کودک و نوجوان در خصوص او می‌گوید: «من برنامه کودک تلویزیون را داشتم و راستگو را نمی‌شناختم. یک روز دیدم آخوند جوان کوتاه قدی یک راست آمد کنارم نشست و گفت سلام‌علیکم و بعد عنوان کرد: من آمده‌ام برای بچه‌ها برنامه اجرا کنم. آن روزها کاملاً اوضاع انقلابی بود. منشی داشتم، ولی قاعده بر این بود که منشی مانع ورود کسی نشود. من که دل خوشی از آخوندهای جوان و بی‌تجربه نداشتم که به نام انقلاب مدعی هر کار و تخصصی شده بودند، گفتم: آقاجان سن و سالی هم نداری که بگویم حاج آقا این کارها به شما نیامده. تلویزیون و تولید در آن دستگاه، حرفه‌ای تخصصی است. اما راستگو میدان را خالی نکرد و گفت من حاضرم با بهترین هنرپیشه‌ها و مجریان برنامه کودک مسابقه بدهم و فی‌البداهه برنامه اجرا کنم».

■ **سال ۵۴ در مسجد رهبر، داستان انقلابی می‌گفت**

راستگو در تلویزیون و برنامه‌هایش مانند یک معلم‌گچ در دست می‌گرفت و می‌نوشت و نقاشی می‌کرد. خط خوش داشت و ذوق هنری‌اش هم مثال‌زدنی بود یا با کمک وسایل مختلف سعی می‌کرد با مثال و بازی، مطالب را به کودکان ارائه دهد. او خالی بود و هرچه بیشتر شناخته‌تر می‌شد، توأضعش بیشتر می‌شد. مرام و سبک زندگی‌اش خیلی چیزها یاد آدم می‌داد. او سال‌ها به همین سبک در مساجد مختلف در مشهد کار کرده بود که یکی از خاطراتش در مسجد کرامت مشهد در نزدیکی حرم مطهر امام رضا(ع) و با حضور رهبر معظم انقلاب بوده است. حسن خصوص گفته بود: «فکر می‌کنم سال ۵۴ مسجد کرامت مربوط به جلسات قرآنی زیرنظر آقای خامنه‌ای بود؛ منتها با نقش‌آفرینی طرف‌هایی که کار می‌کردند... خب آنجا کلاس‌های قرآنی و بعضی وقت‌ها هم کلاس داستان‌های مذهبی برگزار می‌شد. آقای راستگو داستان‌های هیجانی انقلابی می‌گفت. همین طور که الان هم دودستی طرح و نقاشی می‌کشد، آن موقع‌ها هم همین‌طور همزمان با کشیدن نقاشی، داستان‌های هیجانی بیان می‌کرد. بعد هم کتاب‌هایی داده بودند که در بین خانه‌ها دست‌به‌دست می‌چرخید. مثلاً کتاب‌ها موضوعش این بود که مسلمان باید زیرک باشد، با فراست باشد، فهمیده باشد. کتاب‌هایی بود که هم مسلمان بودن را نشان می‌داد، هم زرنگ بودن و خنگ نبودن. یکی دوتا اردو بود؛ یک اردو فکر می‌کنم اطراف طرقبه بود. یک اردو هم اطراف شاندیز بود که فکر می‌کنم آقای خامنه‌ای خودش هم آمده بود».

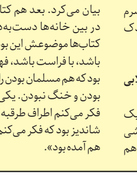

زینب اصغریان

آیا با قرآن می‌توان جامعه را اداره کرد؟ چرا حکومت از حل معضلاتی مثل حجاب عاجز است؟ چطور می‌توان از قرآن الگوبرداری کرد؟ امروزه اولویت‌های حکومت اسلامی چه باید باشد؟ چگونه باید جوانان را جذب نظام کرد؟

بیست و ششمین نشست از سلسله نشست‌های «انقلاب اسلامی و آینده افق تمدنی» با عنوان «مدل نظام‌سازی قرآن پایه» از سوی پژوهشکده شهید صدر با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حاج‌ابوالقاسم دولابی، عضو مجلس خبرگان رهبری و مدیر مرکز تخصصی فقه نظام برگزار شد. تلاش کرده‌ایم با مرور مباحثی که در این نشست مطرح شد، به پرسش‌های مطرح‌شده پاسخ دهیم.

■ **آیا می‌توان ادعا کرد چون نیازهای انسان، نیازهایی مشترک است بنابراین می‌توان از نهادهای مشترک و مشابه برای اداره جامعه اسلامی و جامعه غربی استفاده کرد؟**

هر نظامی، نهاد متناسب با ساختار خود را دارد. برای مثال ممکن است در جامعه‌ای «دنبال لذت بودن» یک اصل باشد، بنابراین جامعه به دنبال راه‌ها و روش‌های لذت بردن بیشتر انسان از مواد غذایی می‌رود، به سمت توسعه لذت با استفاده از تنوع غذایی حرکت می‌کند؛ در حالی که اسلام معتقد است برای تکامل روحی باید غذایی که به جسم داده می‌شود در مسیر تکامل روح باشد. برای همین اسلام در فرهنگ تغذیه، قائل به حلال و حرام است. بنابراین اشتباه است به دلیل شباهت ظاهری میان نیازهای انسان، بگوییم نیازهای همه انسان‌ها و همه جوامع مشترک و مشابه است. بیایید دقیق‌تر نگاه کنیم! مثلاً در زمینه پوشش؛ یک انسان غربی پوشش را برای جلب توجه بیشتر می‌خواهد تا در معرض نگاه‌ها و توجه بیشتر قرار بگیرد. به‌خصوص در زمینه پوشش بانوان، ماجرا ممکن است به سمت و سویی برود که برهنگی را زیبا جلوه دهد. اینجا دیگر لباس و پوشش کارکرد حقیقی خود را ندارد. در نظام اسلامی، پوشش برای جلب توجه نیست؛ بلکه یکی از کارکردهای جلوگیری از جلب توجه و خودنمایی است.

مسکن هم همین طور؛ دربرخی جوامع و نظام‌ها و تفکرها، مسکن صرفاً مکانی برای آرامش نیست، حتی ممکن است مکانی برای تظاهر باشد. بنابراین می‌بینیم در شهرها، مناطق مرفه و مناطق فقیرنشین شکل می‌گیرد. نگاه اسلام به مسکن این گونه نیست، حتی کاخ‌سازی و تجمل در اسلام مذموم است.

■ **این یعنی مسائل و نیازهای ما با نیازهای انسان‌های جوامع غربی متفاوت است؟**

بله... البته باید نکته‌ای را عرض کنم. ما در خلأ زندگی نمی‌کنیم. بالاخره ما در محیطی زندگی می‌کنیم که نظام اجتماعی چند صد ساله غربی بر زندگی ما سایه انداخته است. پس ما باید دو کار انجام دهیم. یکی اینکه نظام اجتماعی و ساختارهای خودمان را بسازیم و اسلام منشأ این نظام‌سازی و ساختارسازی باشد.

دوم اینکه آسیب‌های ناشی از همین نظام‌های موجود را به حداقل برسانیم. البته در حال حاضر، ساختارهای قانونی ما دنبال این هستند که کدام مسئله با اسلام مغایرت دارد و کدام ندارد. ما باید در دل یک ساختار اسلامی، نظام اجتماعی خودمان را بسازیم و توسعه دهیم.

■ **آیا می‌شود برخی مشکلات و یا شرایط دشوار امروز را مثلاً با شرایط زمان پیامبر(ص) مقایسه کرد؟ اگر بخواهیم مثال بزنیم، می‌شود گفت ما باید ببینیم زمانی که مسلمانان تحریم بودند، پیامبر چگونه به آنان انگیزه می‌داد؟ آیا زمانی که تحریم بودند پیامبر به آن‌ها می‌فرمود این تحریم‌ها و سختی‌هایی که در شعب ابی‌طالب می‌کشید به خاطر گناهان خودتان بوده یا چون گناهکارید تحریم شده‌اید؟ در چنین شرایطی پیامبر می‌فرمود این‌ها عامل رشد است؟ یا اینکه می‌فرمود اگر صبر کنید دشمن شکست خواهد خورد. البته آن خطیب جمعه که از ایشان نقل شد گفته‌اند دستخی‌هایی که امروز می‌کشید به خاطر گناهانتان است، در اصل نکته درستی را گفتند، اما این سخنان به منعکس شد.**

پیامبر در هنگام سختی‌ها و مشکلات به مردم گفتند ببینید گذشتگان چقدر سختی کشیدند، گذشتگان چقدر شکنجه تحمل کردند! اینجا صبر و استقامت گذشتگان را برجسته کردند. این اتفاق مربوط به زمانی است که رخ بدهد.

اما وقتی پیامبر(ص) به مدینه می‌روند و کلی امکانات به دستشان می‌رسد و از حیث اقتصادی دستشان باز می‌شود، نحوه برخورد و حرف زدنشان با مردم تغییر می‌کند. برخورد ما در جامعه کنونی هم باید متناسب با برخورد پیامبر(ص) در محیط مکه با مدینه باشد.

در محیط‌هایی که افراد از مواهب انقلاب اسلامی بهره‌مند شدند باید حرف‌های امروز مدنی را در ما در محیط‌هایی که بندگان خدا زیر بار سنگین اقتصادی و تحریم، کمرشان در حال خرد شدن است باید از ادبیات دیگری استفاده کرد. باید حواسمان باشد در چه حوزه‌ای و چه بازه‌ای، از ادبیاتی استفاده می‌کنیم.

عضو مجلس خبرگان رهبری در نشست «مدل نظام‌سازی قرآن پایه» مطرح کرد

جذب جوانان با نظام‌سازی قرآنی

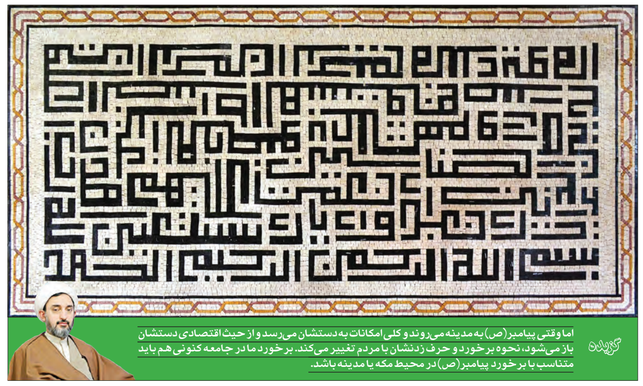

گزیده

اما وقتی پیامبر(ص) به مدینه می‌روند و کلی امکانات به دستشان می‌رسد و از حیث اقتصادی دستشان باز می‌شود، نحوه برخورد و حرف زدنشان را مردم تغییر می‌کند. برخورد ما در جامعه کنونی هم باید متناسب با برخورد پیامبر(ص) در محیط مکه یا مدینه باشد.

مثلاً در بحث فرزندآوری، بعضی‌ها فکر می‌کنند با برخی اهرم‌های تشویقی مادی می‌توانند فرزندآوری را تشویق کنند. این اگر جواب می‌داد که غربی‌ها باید از این مسئله جواب می‌گرفتند. شما هرقدر هم اهرم‌های مادی وسط بگذارید، فرزندآوری به لحاظ مادی این قدر هزینه و تبعات دارد که فرد حساب کتاب می‌کند می‌بیند این اهرم‌ها، مشوق به حساب نمی‌آید. اگر بگویند یک میلیون برای فرزندآوری به شما می‌دهیم می‌گوید این مبلغ پول پوشک یک ماه بچه‌اش است. مثلاً بگویند ۵۰ میلیون می‌دهیم می‌گوید این مبلغ تا اول دبستان فقط جواب می‌دهد. پیامبر(ص) برای تشویق به فرزندآوری نمی‌آید. اگر بگویند یک میلیون برای فرزندآوری به شما می‌دهیم می‌گوید این مبلغ پول پوشک یک ماه بچه‌اش است. مثلاً بگویند ۵۰ میلیون می‌دهیم می‌گوید این مبلغ تا اول دبستان فقط جواب می‌دهد. پیامبر(ص) برای تشویق به فرزندآوری می‌فرماید «قدمها للنفسکم» این فرزندآوری برای شما باقیات صالحات است. یعنی پیامبر(ص) نوع نگاه را عوض می‌کند. در برهه‌ای فرض جهاد را مطرح و بیشتر را در نگاه ما این‌ها برجسته می‌کند بعد می‌گوید برای توسعه اسلام و اعتلای کلمه الله باید نیرو داشته باشیم و فرزندزا رشویم که این فرزندها بیایند و در خدمت اسلام قرار بگیرند.

■ **در بحث حجاب چطور؟**

باید مسیر را مشخص کرد. باید بررسی کنیم زمان رسول اکرم(ص) بحث توصیه به حجاب مربوط به کدام موقعیت‌هاست؟ آیات حجاب سه تاست: دو آیه مربوط به «سوره احزاب» است یکی هم مربوط به سوره نور. سوره نور و احزاب هر دو سوره‌هایی مدنی و مربوط به سال‌های آخر مدینه هستند. یعنی بحث حجاب مربوط به جایی است که اسلام اقتدار خود را پیدا کرده است، همه مسائل حل شده، جنگ‌ها تقریباً خاتمه پیدا کرده و آرامشی بر جامعه اسلامی حاکم شده است. در این زمان پیامبر(ص) به این مسئله می‌پردازد تا جامعه بتواند پذیراباشد. امروزه ما بخشی از زندان را داریم که اسلام اقتدار خود مرحله قبل را هجرت‌اند، چه برسد به زمان فتح مکه. این‌ها هنوز با انقلاب اسلامی، هم‌گذشته‌ودرفضای جامعه اسلامی قرار نگرفته‌اند، این‌ها دنبال جامعه غربی‌اند. خب چطور می‌توانید مسئله حجاب را به این‌ها بقبولانید؟ یعنی با روش‌های فعلی، مسئله حجاب برایشان جا نمی‌افتد.

■ **الان که حکومت اسلامی شکل گرفته، یعنی حکومت نباید کاری در بحث حجاب انجام دهد؟**

تطبیق شرایط آن زمان با این زمان هوشمندی می‌خواهد. معنای شکل‌گیری حکومت این است که تمام ابزارهای شکل‌گیری حکومت در دست پیغمبر(ص) است و ایشان با تریبون‌ها و مساجد و کتاب‌هایی که در اختیار دارد و مکتب‌هایی که تربیت کرده، فضاهای فکری خود را در جامعه توسعه داده است. مثلاً در این شرایط «لیضربن بجیوبهن علی خمرهن» جواب می‌دهد، چون فضاسازی انجام و مبدأ و معاد پررنگ شده است. اما اگر انقلابی مثل انقلاب ما در محیاط اتفاق افتاد و ولی تریبون‌های دیگر دست ما نبود، پس شرایط مثل شرایط زمان حضور پیامبر در مکه است. امروزه همه جوان‌ها از تریبون انقلاب اسلامی مجبور به برخورد از نیستند. اصلاً جرف‌های ما را نمی‌شنوند، نمی‌توانند. شرح مثال ماهواره رفته‌اند. تلویزیون هم که کلاً نمی‌بینند... ۲۰ سال پیش حرکت‌هایی برای اجباری شدن حجاب داشتیم که جواب می‌داد اما الان دیگر جواب نمی‌دهد. الان جوانان در فضای فکری دیگری بزرگ شده‌اند و می‌گویند ما با شما تفاوت داریم. من فکر می‌کنم جذب این جوان‌ها در این فضا باید همراه با اقداماتی باشد که پیامبر در مکه انجام داده است. خود من هم کامل در زمینه کار نکرده‌ام، اما واقعاً جای کار و بررسی دارد که ببینیم هر برخوردی برای چه شرایطی است.

■ **در چنین شرایطی اقدام‌های عملی چه باید باشد؟**

باید ببینیم ۱۰ فاکتور اصلی نظام پیامبر(ص) چه چیزهایی بود؟ چیزهایی بود که در مدینه به آن می‌پرداخت. مثلاً آیه: قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ...

باید روی این‌ها پافشاری کنیم چون این‌ها امری فطری است. اتفاقاً بسیاری از بی‌حجاب‌ها وقتی می‌بینند به احترام به پدر و مادر تشویق می‌کنید پدر و مادر از مواد فاسد شما می‌شود. قرآن می‌گوید: «ظلم نکنید» و «سقط جنین نکنید». این‌ها از گزاره‌هایی است که می‌شود بر آن پافشاری کرد، بی‌گناهی را نکشید، به جان و مال مردم تعدی نکنید، این‌ها خطوط قرمز است. باید در هر زمینه‌ای خطوط قرمز جامعه‌مان را از قرآن بگیریم.

■ **ارزش‌هایی که در این مسیر باید توسعه یابد چیست؟**

عدالت‌گستری، فقرستیزی، ظلم‌ستیزی، پیمان حلف‌الفضول، همین حرکت‌های جهادی با کارویژه خدمت به هموطنان، تألیف قلوب نسبت به نظام ایجاد می‌کند. الان نباید بسیج را درگیر مقابله با بی‌حجابی کرد. باید بر طرح ولایت متمرکز شد. باید تمام مساجد تبدیل به پایگاه‌های جهادی شوند.

■ **آیا قرآن یک مکتب دست یافتنی دارد؟**

قرآن یک مکتب منسجم دارد، اما یافتنی نیست، بلکه ساختنی است. قوانین کنونی ما در تأمین مقاصد مکتب تدوین نشده است، بلکه برای تدوین مقاصد مادی ما تنظیم شده‌اند. بنابراین این قوانین کارآمدی لازم را در راستای رهاسازی اسلامی ندارند. زمانی می‌توانیم نظام‌سازی قرآن‌پایه داشته باشیم که مکتب براساس احترام از قرآن منافق‌گذاری ما باشد. بنابراین نهادواسطی بین پژوهش‌های حوزوی و نیازهای دولت و حاکمیت ایجاد کنیم. نمی‌توانم ادعا کنم در همه حوزه‌های مکتب اسلام، مباحث آماده شده داریم. اما در بعضی حوزه‌ها از مکتب جلوتر رفته‌ایم. نظام‌سازی و حتی مدل‌سازی هم کرده‌ایم.

درنگ

گزارشی از واکنش به نتایج پیمایش میزان انس مردم با قرآن

سرانه مطالعه قرآن چقدر است؟

سید مصطفی حسینی، دبیر جامعه قرآنی عصر و استاد شهریار پرهیزکار استاد پیشکسوت قرآنی به اعلام آمار سرانه مطالعه قرآن از سوی شورای توسعه فرهنگ قرآنی واکنش نشان دادند.

■ **بین قرآنیان هم این میزان اهتمام به تلاوت روزانه قرآن را نمی‌بینیم**

به گزارش مهر، در همین راستا سید مصطفی حسینی، مدیر جامعه قرآنی عصر گفت: برای هرکدام از دوستانی که کمترین تجربه و سابقه در امور قرآنی کشور را داشته باشند، واضح است در ارائه آمار باید شده دقت لازم صورت نگرفته؛ برای سنجش این موضوع کافی است میزان مطالعه قرآن میان عناصر فرهنگی و مذهبی بررسی شود آن گاه معلوم می‌شود اگر سرانه قرآن خواندن در کشور روزانه یکی دو دقیقه هم اعلام شود، موجب خوشحالی و شعف بسیار خواهد بود. این فعال جامعه قرآنی افزود: در شرایطی که براساس خوشبینانه‌ترین آمار، سرانه مطالعه ایرانیان روزانه تقریباً ۱۷ دقیقه است (اعم از متون علمی و مذهبی و...) -که همان هم به‌شدت محل تأمل است و معتقدم در واقعیت خیلی کمتر از این است- چطور می‌شود پذیرفت هر ایرانی روزانه ۱۵ دقیقه قرآن می‌خواند؟

حجت‌الاسلام حسینی ادامه داد: امثال بنده که صبح تا شب با جمعیت زیادی از قرآنیان سر و کار داریم حتی در بین قرآنیان (غیر از بخشی از حافظان قرآن) این میزان اهتمام به تلاوت روزانه قرآن را نمی‌بینیم، چه برسد به سایر اقشار. ضمن تشکر از افرادی که زحمت این مطالعه و پیمایش را بر عهده داشته‌اند، گمان می‌کنم باید در ملاک و معیارهایی که برای انجام این تحقیق در نظر گرفته شده، تجدید نظری صورت گیرد.

■ **سرانه مطالعه دو یا سه دقیقه قرآن بسیار قابل قبول و واقعی‌تر است**

در همین زمینه شهریار پرهیزکار، از استاد فعال در عرصه قرآنی و پیشکسوت قرآنی گفت: به نظر این آمار خیلی نزدیک به صحت نیست و مورد تردید است. مطمئنم آمارگیران به دلیل نامشخصی علاقه داشتند آن وضع واقعی اسفباری که امروزه در خصوص انس آحاد مردم با قرآن کریم با آن درگیر هستیم را دست‌کم حدود پنج برابر، یعنی ۵۰۰ درصد، خوش‌خیم‌تر و موفق‌تر ارائه دهند. دلیل آن را دقیقاً نمی‌دانم ولی قابل بررسی است.

وی ادامه داد: تجربیات نزدیک به نیم قرن ورود و حضور نسبتاً فعال بنده در ابعاد مختلف مسائل قرآنی کشور به من با احتمالی خیلی قوی می‌گوید به دلیلی نامعلوم در این اقدام آماری، آنچه به واقعیت قرآنی مملکت نزدیک است ضرب در چهار یا پنج شده است!

این استاد و پیشکسوت قرآنی کشورمان با تعجب از آمار ارائه شده از سوی شورای توسعه فرهنگ قرآنی اظهار کرد: یکی از ادعاها و نتایج استخراج شده از سوی اساتید صاحب تجربه و دلسوز که شناخت براساس خوشبینانه‌ترین آمار، سرانه مطالعه ایرانیان روزانه تقریباً ۱۷ دقیقه است (اعم از متون علمی و مذهبی و...) -که همان هم به‌شدت محل تأمل است و معتقدم در واقعیت خیلی کمتر از این است- چطور می‌شود پذیرفت هر ایرانی روزانه ۱۵ دقیقه قرآن می‌خواند؟

■ **سرانه مطالعه دو یا سه دقیقه قرآن بسیار قابل قبول‌تر و واقعی‌تر است**

حجت‌الاسلام حسینی ادامه داد: امثال بنده که صبح تا شب با جمعیت زیادی از قرآنیان سر و کار داریم حتی در بین قرآنیان (غیر از بخشی از حافظان قرآن) این میزان اهتمام به تلاوت روزانه قرآن را نمی‌بینیم، چه برسد به سایر اقشار. ضمن تشکر از افرادی که زحمت این مطالعه و پیمایش را بر عهده داشته‌اند، گمان می‌کنم باید در ملاک و معیارهایی که برای انجام این تحقیق در نظر گرفته شده، تجدید نظری صورت گیرد.

■ **سرانه مطالعه دو یا سه دقیقه قرآن بسیار قابل قبول‌تر و واقعی‌تر است**

در همین زمینه شهریار پرهیزکار، از استاد فعال در

پذیرش آگهی و تبلیغات در قدس آنلاین

تلفن پذیرش: ۳۷۰۰۸۸

انجمن سیستم های هوشمند ایران به شماره ثبت ۲۴۴۴ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۴۸۸۳۰۷

بدینوسیله از کلیه اعضای پیوسته انجمن سیستم های هوشمند ایران دعوت می شود تا در مجمع عمومی فوق العاده و عادی (نوبت اول) که به ترتیب راس ساعت ۱۵:۰۰ و ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۰ در محل: تهران، کارگر شمالی، روبروی سازمان انرژی اتمی، مرکز تحقیقات مخابرات ایران، سالن فردوسی تشکیل میشود. شرکت فرمایند.

دستور جلسه مجمع فوق العاده:

۱- تصویب تغییرات در مفاد اساسنامه

دستور جلسه مجمع عادی:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره در مورد عملکرد دوره گذشته

۲- طرح و تصویب صورت های مالی و تعیین حق عضویت اعضای انجمن (حقوقی، پیوسته، وابسته و دانشجویی)

۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های انجمن

۴- انتخاب اعضای هیئت مدیره و بازرسان دوره جدید

۵- تصویب طرح ضلع انجمن

۶- سایر موارد پیشنهادی که در چارچوب وظایف مجمع عمومی باشد

هیئت مدیره انجمن سیستم های هوشمند ایران

واحد سفارشات چاپی مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

اصلاحات/شیت/رول

خدمات پیش از چاپ (طراحی ـ لیتوگرافی)

خدمات پس از چاپ (سالون ـ پووی ـ برش ـ صحافی)

پوستر ـ بروشور ـ کاتالوگ ـ کتاب ـ مجله ـ روزنامه ـ نشریات

تلفن بزگیده ساز ۱۳۲۳ ـ فعال برتر حوزه چاپ سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵

E.mail:qqudsnews@yahoo.com

051-37676596

مطبعه: بلوار سجاد، نبش سجاد یک، واحد سفارشات مؤسسه فرهنگی قدس

آگهی مفقودی

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی مهدی حلمی زارع فریمانی فرزند رضا صادره از فریمان به شماره شناسنامه ۲۰۵۳ در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته علمی کاربردی حسابداری صادره از واحد دانشگاهی تربت جام به شماره ۳۰۲۹۱۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.

از یابنده تقاضا می‌شود مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی تربت جام به نشانی: استان خراسان رضوی، شهرستان تربت جام شهرک ولیعصر سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی تربت جام اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نمایند.

۱۴۰۰/۸/۱۸

آگهی مفقودی

بدین وسیله به اطلاع همگان می رساند که برگ رنگی عبدل آبادی به شماره ملی ۲۹۹۳۹۶۳۲۰۱ مربوط به اتومبیل مزدا وانت تیپ ۱۷۰۰ کاربا آرنگ سفید مدل سال ۱۳۹۴ به شماره پلاک ۴۵ ایران ۹۴۹ و ۸۶ به شماره موتور ۴۱۳۹۱۶۴۳۱۱۸ و شماره NAGP2PE21FA218A۰۴۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

۱۴۰۰/۸/۱۸

آگهی مفقودی

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی مجتبی حسن زاده اوغاز فرزند اسمعیل صادره از شیروان به شماره ملی ۰۸۲۰۰۰۴۲۰۰ در مقطع کارشناسی پیوسته رشته مهندسی شیمی - صنایع گاز صادره از واحد دانشگاهی قوچان به شماره ۱۷۲۸۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.

از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی قوچان به نشانی: استان خراسان رضوی، شهرستان قوچان ۴ کیلومتر مانده به قوچان سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی قوچان اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نمایند.

۱۴۰۰/۸/۱۸

آگهی مفقودی

مدرک تحصیلی اینجانب حسن رسولخانی فرزند علی داروند شناسنامه به شماره ۳۵۷ صادره از سرخس در مقطع تحصیلی کاردانی پیوسته رشته تربیت بدنی صادره از واحد دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور با شماره ثبت ۱۲۷۰۱۰۱۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور به نشانی: استان خراسان رضوی، شهرستان نیشابور جاده مجموعه ، سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نمایند.

۱۴۰۰/۸/۱۸

آگهی مفقودی

بدین وسیله اطلاع می رساند که برگ سبز خودرو اینجانب ایمان کارگر نخعی عبدل آبادی به شماره ملی ۲۹۹۳۹۶۳۲۰۱ مربوط به اتومبیل مزدا وانت تیپ ۱۷۰۰ کاربا آرنگ سفید

من سال الله التوفیق و لم یجتهد فقد استهزأ بنفسه

هر کس از خدا توفیق بخواهد و تلاش نکند، خود را مسخره کرده است.

خبر امروز

آغاز مرحله دوم طرح «تعالی خانواده رضوی»

به همت مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی، مرحله دوم طرح «تعالی خانواده رضوی» ویژه خانواده کارکنان آستان قدس رضوی آغاز شد و تا پایان دی‌ماه ادامه خواهد یافت. ارتقا و بهبود مهارت‌های سبک زندگی دینی و اوقات فراغت خانواده کارکنان، یکی از محورهای سند سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی است که در قالب طرح «تعالی خانواده رضوی» به همت مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی بستری برای تحقق آن فراهم شده است. این طرح، در راستای اهداف طرح «زندگی به سبک رضوی» برای سه قشر مجردها، زوجین جوان و خانواده‌ها تعریف شد و در چشم‌انداز یک‌ساله طرح، مشارکت و حضور فعال ۴ هزار خانواده دیده شده است. در مرحله نخست این طرح بیش از هزار و ۱۰۰ خانواده به جمع مخاطبان این طرح پیوسته و به صورت مجازی از محتواهای آموزشی بارگذاری شده روی سایت مرکز استفاده کرده‌اند. با آغاز مرحله دوم، شمار دیگری از خانواده‌ها در حال مشارکت در این طرح هستند که شرکت‌کنندگان از بسته‌های فرهنگی و آموزشی تکمیلی شامل دوره‌های آموزشی، خدمات مشاوره‌ای و... برخوردار خواهند شد.

دانش بنیان‌ها

مجوز «صنایع خلاق» برای شرکت کسب و کار رضوی

شرکت کسب و کار رضوی با اتکا به طراحی و ارائه نرم‌افزار «پیشه»، مجوز صنایع خلاق را دریافت کرد. عنوان خلاق، معادل دانش‌بنیان برای شرکت‌های فعال در حوزه صنایع خلاق است؛ صنایعی که در آن‌ها خلاقیت، مهارت، دانش و استعداد تولیدکنندگان، ویژگی‌های اصلی کسب‌وکار را تشکیل می‌دهد. مدیرعامل شرکت کسب و کار رضوی در این باره گفت: استفاده از بروندادهای فکری و ذوقی انسان که ماهیت هنری و فرهنگی دارد، شاخصه بارز صنایع خلاق است. سامانه «پیشه» با هدف تسهیل امور و رونق فعالیت‌های تولیدی، مسیر دسترسی کسب‌وکارها به یکدیگر، تأمین‌کنندگان کالا و همچنین خدمات مورد نیاز آن‌ها را آسان‌تر می‌کند.

کسب‌وکار رضوی

به مناسبت سوم آذر، سالروز افتتاح مجموعه فرهنگی و اجتماعی «باغ خاتون»

اینجا چراغ خلاقیت روشن است

محمد حسین مروج کاشانی

باغ‌اردوگاه خاتون مشهد وابسته به مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی، در سوم آذر سال ۱۳۹۷ مطابق با ۱۷ ماه ربیع‌الاول همزمان با ولادت باسعادت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) و سالاله پاکش حضرت امام جعفر صادق(ع) افتتاح شد. این باغ‌اردوگاه بزرگ، بخشی از باغ ۱۱۴ هکتاری امام رضا(ع) واقع در تقاطع چهارراه خیام و بولوار توس است که در اختیار بانوان مشهدی قرار گرفته است. خدمات این اردوگاه به نوآورانه‌ها و خلاقانه‌های بانوان می‌پردازد و به عنوان نخستین مرکز فرهنگی، تربیتی و اجتماعی ویژه بانوان فعالیت می‌کند.

محمد جواد مشهدی - عکس: رضوی

گزیده: موضوع اصلی این باغ‌اردوگاه «نوآوری و خلاقیت بانوان» است و سعی شده بانوان مستعد در حوزه‌های هنری، فرهنگی و تربیتی را رصد و شناسایی و از نوآوری‌های آن‌ها حمایت کند.

■ **باغ‌اردوگاهی «خاص»**

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی که باغ‌اردوگاه خاتون به عنوان زیرمجموعه این مرکز فعالیت می‌کند معتقد است: مسئله اوقات فراغت و کیفیت حضور و نقش‌آفرینی اجتماعی بانوان از جمله مسائلی است که در برنامه‌ریزی‌ها و طراحی اقدام‌های حوزه بانوان در نظام اسلامی باید مورد توجه جدی نهادهای ذی‌ربط قرار گیرد.

«فاطمه دژبرد» می‌گوید: زنان به عنوان عنصر کلیدی نظام خانواده، نقشی جدی در کارایی و اثربخشی این هسته بنیادین اجتماعی ایفا می‌کنند و از همین رو در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های معطوف به افزایش کارآمدی خانواده‌ها، توجه به مسائل رفاهی و فرهنگی بانوان حائز اهمیت فراوان است. وی ادامه می‌دهد: بیش از نیمی از زائران حرم مطهر رضوی به صورت خانوادگی به حرم امام رضا(ع) مشرف شده و بیش از ۶۰ درصد زائران را بانوان تشکیل می‌دهند، بنابراین پرداختن به مسائل ویژه بانوان و دختران در مرکز و مجموعه‌ای مخصوص آنان، از جمله عرصه‌هایی است که آستان قدس رضوی با نگاه بلند و آینده‌نگر به آن ورود کرده است.

■ **«ایده‌های نو» و «شبکه‌سازی» بانوان**

دژبرد در بخش دیگری از سخنانش درباره اهداف راه‌اندازی و فعالیت باغ‌اردوگاه خاتون اظهار می‌دارد: موضوع اصلی این باغ‌اردوگاه «نوآوری و خلاقیت بانوان» است و سعی شده بانوان مستعد در حوزه‌های هنری، فرهنگی و تربیتی را رصد و شناسایی و از نوآوری‌های آن‌ها حمایت کند. وی می‌افزاید: توسعه خلاقیت و نوآوری در بانوان و تبدیل آن به ثروت کسب و کار، شناسایی بانوان توانمند، خلاق و ایده‌پرداز، ایجاد بستر مناسب و حمایت از طرح‌های بانوانی که ایده خود را به ثبت رسانده‌اند و همچنین در اشتغال‌زایی محصولات و... از جمله اهداف فعالیت این باغ‌اردوگاه به شمار می‌رود. دژبرد یادآور می‌شود: «برگزاری کارگاه‌های مهارت‌افزایی و ایده‌پردازی»، «ایجاد فضای امن، مفرح و شاد برای بروز خلاقیت و ایده‌های نو در بانوان»، «ایجاد شور و انگیزه برای نوآوری در علوم مختلف و خلق ایده در بانوان»، «ایجاد و حفظ شبکه‌های نوآوری در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی»، «شبکه‌سازی برای ایجاد، تقویت و هم‌افزا کردن ظرفیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی بانوان در باغ‌اردوگاه» و... از دیگر اهداف راه‌اندازی این مجموعه فرهنگی، اجتماعی و تربیتی خاص بانوان است.

■ **مخاطبان باغ‌خاتون**

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی درباره مخاطبان و افرادی که می‌توانند از برنامه‌های باغ‌اردوگاه خاتون استفاده کنند، می‌گوید: برنامه‌های این باغ‌اردوگاه به تفکیک دو مخاطب محوری یعنی «بانوان» و «کودکان و نوجوانان دختر» ارائه می‌شود.

یک گروه از مخاطبان اصلی باغ‌اردوگاه خاتون، «بانوان ایده‌پرداز، نوآور و کارآفرین» هستند، بانوانی که در عرصه فرهنگی، تربیتی و اجتماعی ایده‌ها و طرح‌های نوآورانه‌ای در دو حوزه «تولید محصول» و «ارائه خدمات» دارند که باغ‌اردوگاه خاتون به عنوان مرکز تخصصی نوآوری‌های بانوان از توان و ظرفیت این بانوان استفاده کرده و از آنان در قالب ارائه مشاوره‌های تخصصی و در اختیار قرار دادن فضا و امکانات لازم حمایت می‌کند. بانوان و دختران زائر و مجاور شهر مشهد وابسته به سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها و تشکل‌ها از جمله: مدارس، مهدهای کودک، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و... از دیگر مخاطبان این مجموعه ویژه بانوان بوده که متقاضی استفاده از خدمات باغ‌اردوگاه خاتون هستند.

■ **چه برنامه‌هایی در این اردوگاه اجرا می‌شود؟**

مدیر مرکز امور بانوان و خانواده بنیاد کرامت رضوی در پاسخ به این پرسش که چه برنامه‌هایی در این باغ اجرا می‌شود، می‌گوید: «نشاط آفرینی و امیدبخشی به بانوان»، «تربیت محوری و رشد و اعتلای معرفتی، فرهنگی و مهارتی بانوان با تکیه بر مبانی دینی» و «تکمیل نقش مادری و همسری بانوان و آمیختگی فرهنگ و اقتصاد در برنامه‌های ویژه بانوان و خانواده» از جمله سیاست‌های اصلی و محوری ایجاد این باغ‌اردوگاه ویژه بانوان بوده است و در این راستا برنامه‌های متعدد و متنوعی به صورت اردو، برگزاری جشنواره‌های فرهنگ کارآفرینی، برپایی نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های فروش محصولات بانوان کارآفرین، کارگاه‌های آموزشی و ایده‌پردازی، پاتوق هنر و... برگزار شده و بیش از ۱۱۰ هزار مخاطب از برنامه‌های آن استفاده کرده‌اند.

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای ایرج خادمی دارای شناسنامه شماره ۲۳۱۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۴۰۰۰۰۳۷۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدرضا خادمی به شناسنامه ۷۳ در تاریخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۳ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- ناهید توکلی پشتهئی به ش‌ملی ۰۷۴۸۵۰۴۶۷۲ متولد ۱۳۵۲/۰۱/۰۳ همسر متوفی
۲- نعمت‌اله خادمی به ش‌ملی ۰۷۳۱۹۲۳۲۷۸ متولد ۱۳۴۵/۰۱/۰۱ فرزند متوفی
۳- ایرج خادمی به ش‌ملی ۰۷۴۸۷۷۶۴۰۰ متولد ۱۳۵۶/۰۵/۰۱ فرزند متوفی
۴- فریده خادمی به ش‌ملی ۰۷۴۸۷۷۶۴۱۹ متولد ۱۳۵۲/۰۵/۰۱ فرزند متوفی
۵- فریبا خادمی به ش‌ملی ۰۷۴۹۸۷۹۰۹۲ متولد ۱۳۶۴/۰۱/۲۰ فرزند متوفی
۶- شهناز خادمی به ش‌ملی ۰۷۴۸۷۷۰۸۲۸ متولد ۱۳۴۲/۰۱/۰۲ فرزند متوفی
۷- شهین خادمی به ش‌ملی ۰۷۴۸۷۷۳۷۵۴ متولد ۱۳۴۸/۰۳/۰۲ فرزند متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.آ۱۴۰۷۹۷۳
قاضی شورا- شعبه چهار شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- حسن رضائی منفرد

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقایان حمید جعفرزاده و جواد محمدیان برابرنامه شماره ۱۴۰۰/۴۴۲۸۳۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ به نمایندگی از طرف شرکت سهامی بیمه ایران جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یکباب خانه به شماره پلاک ۲۲۵۸ اصلی بخش سه مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره ثبت ۲۲۰۷ دفتر ۱۶ صفحه ۳۵۲ بنام غلامحسین مقدس یزدی ثبت و سند صادر گردیده سپس برابر سند قطعی ۲۵۲۷ مورخ ۱۳۱۹/۰۷/۲۴ دفتر ۱۳ مشهد بنام شرکت سهامی بیمه ایران شعبه مشهد منتقل شده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.....
لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۹۲۵ آ۱۴۰۸۱۱۱
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- سیدمحمدباقر حسینی جهانگیر

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای حسین شیخ بهائی اصالتا و برابر وکالتنامه شماره ۴۸۷۳۳ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۸ دفترخانه ۸۵ مشهد بوکالت از طرف آقای سیدمحمد حسین طاثریان باستناد ۴ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است اسناد مالکیت ششدانگ اعیان یک باب آپارتمان به شماره پلاک ۴۷۰۴۰ فرعی از ۶۴۳۰ فرعی از ۲۳۲ اصلی بخش ۹ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره ثبت ۴۵۸۶۵۹ دفتر ۲۹۵۳ صفحه ۱۳ بنام آقای حسین شیخ بهائی و ذیل شماره ثبت ۴۵۸۶۶۰ دفتر ۲۹۵۳ صفحه ۱۶ بنام آقای سیدمحمد حسین طاثریان بالمناصفه ثبت و اسناد به شماره چاپی ۷۸۲۷۴۴ د ۹۱ و ۷۸۲۷۴۵ د ۹۱ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.....
لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۹۲۴ آ۱۴۰۸۱۱۰
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- سیدمحمدباقر حسینی جهانگیر

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای حسین شیخ بهائی اصالتا و برابر وکالتنامه شماره ۴۸۷۳۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۸ دفترخانه ۸۵ مشهد بوکالت از طرف آقای سیدمحمد حسین طاثریان باستناد ۴ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است اسناد مالکیت ششدانگ اعیان یک باب آپارتمان به شماره پلاک ۴۷۰۴۱ فرعی از ۶۴۳۰ فرعی از ۲۳۲ اصلی بخش ۹ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره ثبت ۴۵۸۶۶۱ دفتر ۲۹۵۳ صفحه ۱۹ بنام آقای حسین شیخ بهائی و ذیل شماره ثبت ۴۵۸۶۶۲ دفتر ۲۹۵۳ صفحه ۲۲ بنام آقای سیدمحمدحسین طاثریان بالمناصفه ثبت و اسناد به شماره چاپی ۷۸۲۷۴۶ د ۹۱ و ۷۸۲۷۴۷ د ۹۱ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.....
لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۹۲۳ آ۱۴۰۸۱۰۹
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- سیدمحمدباقر حسینی جهانگیر

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای حسین نعیمی دیمه‌کار باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک ۶۹۱۱ اصلی بخش ۲ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل ثبت ۳۸۳۸ دفتر ۴۳ صفحه ۱۹۳ بنام تقی حجت ثبت و سند به شماره چاپی ۱۹۸۳۱۵ صادر گردیده سپس مع‌الواسطه برابر سند ۴۳۵۰۳- ۵۵/۹/۲۲ دفتر ۱۵ مشهد به آقای حسین نعیمی دیمه‌کار منتقل که برابر سند ۳۷۶۴- ۹۱/۳/۱۱ دفتر ۲۱۰ مشهد در رهن بانک ملت قرار گرفته است دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد...

لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۹۲۰ آ۱۴۰۸۱۰۶
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

آگهی دعوت از مجاورین

نظر به درخواست ورثه مرحوم سیدمحمد باقر مدنی مالکین سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۷۱۶ فرعی از ۵۴ اصلی بخش شش مشهد مبنی بر صدور سند مالکیت کاداستری پلاک مذکور در اجرای کد ۹۱۴ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی و باستناد ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، نماینده و نقشه‌بردار این اداره در روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۰۸ ساعت ۹/۳۰ صبح جهت معاینه محل ملک مورد تقاضا در محل وقوع ملک حضور خواهند یافت لذا بموجب این آگهی از مالکین مشاعی و مجاورین پلاک فوق‌الذکر دعوت بعمل می‌آید به جهت حفظ حقوق مالکانه و عدم تضییع حق احتمالی در موعد مقرر در این آگهی در محل وقوع ملک مورد تقاضا حضور یابند بدیهی است عدم حضور در موعد تعیین شده فوق مانع ادامه عملیات ثبتی نخواهد شد. م.الف ۹۱۹ آ۱۴۰۸۱۰۵
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی-از طرف محمد ایرانی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی کاظمیان با وکالت یا واسطه از طرف ورثه خانم هایده رفائی شاعران قره‌باغی به شماره وکالت ۱۹۴۱۵۶- ۱۴۰۰/۷/۱۰ و ۱۹۴۳۳۱- ۱۴۰۰/۸/۱۳ دفتر ۱۹ مشهد با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده طی درخواست ۲۱۷۰۷/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۳۱ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۹۸۳ فرعی از ۱۷۰- اصلی بخش ۱۰ طرقبه شاندیز را نموده که پلاک فوق‌الذکر به نام خانم هایده رفائی شاعران قره‌باغی ذیل دفتر ۴۵۵ صفحه ۱۳۷ به شماره ثبت ۹۸۲۲۵ ثبت و سند شماره ۱۵۱۳۶۳ به نام نامبرده صادر گردید و فاقد بازداشت و رهن می‌باشد حسب اعلام وکیل مالک متقاضی سند مالکیت در اثر سهل‌انگاری مفقود شده در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می‌باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سندج مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م.الف ۹۱۸ آ۱۴۰۸۱۰۴
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی کاظمیان با وکالت یا واسطه از طرف ورثه آقای غلامعلی آقاپور به شماره وکالت ۱۹۴۱۵۶- ۱۴۰۰/۷/۱۰ و ۱۹۴۳۳۱- ۱۴۰۰/۸/۱۳ دفتر ۱۹ مشهد با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده طی درخواست ۲۱۷۰۷/۱۴۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۶/۳۱ تقاضای صدور سند مالکیت المثنی مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۹۸۳ فرعی از ۱۷۰- اصلی بخش ۱۰ طرقبه شاندیز را نموده که پلاک فوق‌الذکر به نام غلامعلی آقاپور ذیل دفتر ۴۵۵ صفحه ۱۳۷ به شماره ثبت ۹۸۲۲۵ ثبت و سند شماره ۱۵۱۳۵۲ به نام نامبرده صادر گردید و فاقد بازداشت و رهن می‌باشد حسب اعلام وکیل مالک متقاضی سند مالکیت در اثر سهل‌انگاری مفقود شده در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود می‌باشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود. م.الف ۹۱۷ آ۱۴۰۸۱۰۲
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

(آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی)

حسب تکالیف مقرر در ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ آراء صادره از هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی سبزوار تصرفات مالکانه و بلا معارض اشخاص محرزو جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :
بخش ۲ سبزوار
-آقای شعبان ذبیح اله زاده سرسنگ نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۴/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۵۰۰ اصلی واقع در بخش ۲ سبزوار از محل مالکیت رسمی خودش
-آقای رضا کرمانی سبزوار نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۶/۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک باقی مانده ۳/۷۲۹ اصلی واقع در بخش ۲ سبزوار از محل مالکیت رسمی محمد کرمانی
بخش ۳ سبزوار پلاک یک اصلی اراضی کلاته استاد حسنخان
-خانم حوریه علی ابادی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۲/۵۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۷ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی عباس معمارزاده
پلاک ۳ اصلی اراضی کلاته سیفر
-آقای محمد حسن پوربشیری نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۵۰/۹۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۰ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی خودش
-آقای محمد حسن پوربشیری نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۳/۹۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۰ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی خودش
-آقای غلامحسین اسماعیلی خوشمردان نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۵/۱۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۶۶ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی کبری عابد آریانی و حسینعلی پارسائی اریانی
-آقای حسن کلاته سیفری نسبت به ششدانگ اعیانی یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۸/۸۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۳ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی موقوفه کهن اب به تولیت اداره اوقاف و امور خیریه سبزوار
پلاک ۵ اصلی اراضی قلعه نو
-آقای رضا مهرابادی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹۶/۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۳۷ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی زهرا سلطانی
-آقای حسن کرابی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۵/۱۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۷ باقی مانده فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی سکینه قلعه نوی
-خانم فائزه باشتنی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹۳/۹۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی عذرا گوداسیایی
-آقای ابوالفضل خسروجردی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹۳/۹۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی عذرا گوداسیایی
-زهرا کسکنی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۰/۷۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۵۶۰ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی ابوالفضل تهرانیان
-رجبعلی کسکنی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۰/۷۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۵۶۰ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی ابوالفضل تهرانیان
-علی کسکنی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۱/۸۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۴۰ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی حسین قلعه نوی
پلاک ۶ اصلی اراضی کلوت
-خانم عزت باغجری نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۲/۷۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۹۱ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی زینب غلام دائی
-آقای مهدی دروکی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۵۸/۱۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۷۵ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی نوراله قلعه نوی
-آقای هادی پورصدرا نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۹/۲۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۷۰ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی مهدی علوی
-آقای علی اکبر صادقی ششتمد نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۸۲/۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۷۳۴ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی علیرضا صادقی ششتمد
-خانم پوران رادمند نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۲/۵۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۷ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی علی دیواندری
-خانم معصومه رودسرایی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹۵/۷۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۲۰۶۵ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی خودش
-خانم جمیله شاه طلب نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۹/۲۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۷۲ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی علی خسروابادی
-آقای رمضانعلی ثابتی مقدم سبزوار نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۳۸/۳۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۸۲ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی عباس غلام دائی
-آقای رضا کوشکی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۴۱/۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۶۸۰ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی صدیقه کشکی
-خانم اکرم جوادی نسبت به یکدانگ ونیم مشاع باستثناء فوقانی ازششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۸۹۲ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی علی اکبر کوشکی
-آقای مهدی مسکنی نسبت ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۴۴/۲۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۵۴۱ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی ولی اله کوشکی
-آقای علی میعادی فر نسبت ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۱۵/۶۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۶۳۳۵ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی فرامرز ناوی
-خانم ربابه رحیمی نیا نسبت ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۱۴/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۷ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی محمدرضا غفوری غروی
-خانم مریم محمدیان نسبت ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۱۰/۴۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۵۹ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی محمد وظیفه دار یزد
-آقای محمدرضا دلگرم نسبت ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۲۰/۸۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۵۶ فرعی از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی اسماعیل افچنگی
پلاک ۱۶۲ اصلی اراضی ایزی
-خانم مریم میری نسبت ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۷۴/۱۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۱۰ فرعی از ۱۶۲ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار از محل مالکیت رسمی طیبه جهدی خرق
بخش ۱۲ سبزوار پلاک یک اصلی اراضی عمیدآباد
-خانم طیبه شمس آبادی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۷۳۲ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۲ سبزوار از محل مالکیت رسمی خودش
-خانم شهربانو عمارلو نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۹